یادداشت

رسول نوروزی

تشییع تاریخی؛ آزمون تمدنی و موقعیت بازآفرینی آرمان‌ها

در نخستین بخش از بررسی ابعاد معنایی و محتوایی اجتماع عظیم و خیزش میلیونی و تمدنی مردم در تشییع امام امت به جغرافیای نمادین مسیر تهران – قم – عراق – مشهد و روایت چهارگانه دفن پرداختیم. در دومین یادداشت، ابعاد دیگر معنایی و محتوایی این رویداد تمدنی را واکاوی می‌کنیم.

■بازتولید سرمایه اجتماعی و انسجام ملی

نخستین دستاورد عملیاتی این تشییع، تولید سرمایه اجتماعی کلان است. این سرمایه، نه یک امر انتزاعی، بلکه واقعیتی ملموس و عینی است. در دوران گذار، جامعه ممکن است دچار اضطراب یا گسست موقت شود. حضور میلیونی آحاد مردم به‌راستا یق گونگان یک «رویداد مرجع» تبدیل می‌شود؛ یعنی به نقطه‌ای کلیدی که در تمامی تحلیل‌ها و تصمیم‌گیری‌های آینده، به‌عنوان مبنا و شاخص به آن استناد می‌شود. این رویداد مرجع، معیاری برای سنجش موارد زیر است:

وفاداری عمومی: ارزیابی میزان پایبندی و وفاداری مردم به ساختار و اهداف جامعه.

عمق اجتماعی: سنجش میزان نفوذ و ریشه‌دار بودن آرمان‌های انقلاب در میان توده‌ها.

استمرار حرکت: ارزیابی تداوم مسیر و زنده بودن اهداف در نسل‌های مختلف.

درواقع می‌توان گفت جامعه‌ای که توانایی خلق چنین گردهمایی عظیمی را دارد، هرگز «از درون تهی» نشده است، بلکه نشان می‌دهد این جامعه، همچنان پویاست و می‌تواند حول یک معنای مشترک و بزرگ، با یکدیگر متحد شود.

■آزمون تمدنی و موقعیت بازآفرینی آرمان‌ها

در منطق انقلاب اسلامی، تشییع و تدفین رهبر عظیم‌الشأن آن، صرفاً نقطه پایانی بر یک دوره سیاسی نیست؛ بلکه باید آن را یک «آزمون تمدنی» دانست. این رخداد، ظرفیت‌های زیربنایی یک جامعه را در حوزه‌های مختلف به چالش می‌کشد:

عمق باورها: سنجش میزان پیوند عاطفی و فکری مردم با آرمان‌های انقلاب.

بسیج اجتماعی: ارزیابی توان به حرکت درآوردن توده‌ها و قدرت بسیج کنندگی امت.

انسجام ساختاری: قدرت نهادها در هماهنگی و سازماندهی.

خلاقیت معنایی: ظرفیت تولید معنا و محتوا در شرایط بحرانی.

تداوم تاریخی: اثبات زنده بودن مسیر تاریخی جامعه، حتی پس از فقدان فیزیکی رهبر.

چنین رویدادی ثابت می‌کند ایدئولوژی حاکم بر حرکت تمدنی انقلاب اسلامی، نه‌تنها «باقی مانده» بلکه همچنان «زنده و پویش پرنده» است. تفاوت میان این دو مفهوم، حیاتی است؛ یک آرمان ممکن است فقط در حافظه تاریخی رسوب کند، اما آرمانی که قادر است میلیون‌ها انسان را به حرکت وادارد، یک آرمان فعال و آینده‌ساز است. بنابراین، این تشییع یک مراسم سوگواری معمولی نیست؛ بلکه رخدادی تمدنی برای بازتولید مشروعیت، انسجام اجتماعی و ترسیم افق‌های پیش‌رو برای ادامه مسیر نظام مقدس جمهوری اسلامی است.

این کلان‌رویداد، چه از نگاه ملی و اسلامی باشد، چه در چارچوب شیعی و جبهه مقاومت، در نهایت ابزاری برای بازخوانی و معرفی اندیشه تمدنی انقلاب اسلامی به جهان است. این کار به قدری عمیق و مؤثر است که در نبرد تمدنی، ما را چندین گام به جلو پرتاب می‌کند. همان‌طور که واقعه «بعثت مردم» با ارائه مدلی از زیست انسان مسئول در انقلاب اسلامی، دنیا را مبهوت کرد و تا سال‌ها دانشگاه‌های جهان به تبیین آن خواهند پرداخت، این تشییع نیز به حرکت تمدنی ماشتابی ویژه‌ می‌بخشد.

پیکر حضرت آیت‌الله‌العظمی شهید سیدعلی خامنه‌ای پس از وداع باشکوه در تهران، قم، نجف و کربلا روز گذشته با استقبال تاریخ‌ساز زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی تشییع و در جوار مضجع شریف امام رضا(ع) آرام گرفت

خادم حضرت خورشید به آغوش حرم بازآمد

فریده خسروی | اینجا فرودگاه مشهد است؛ همان شهری که در سال ۵۷، طلبه‌ای جوان با کوله‌باری از عشق و ایمان، از این خاک به سوی سرنوشتی رفت که امروز تاریخ ایران، او را با نامش می‌شناسد. او وقته بود تا برای وطنش، برای مردمش و برای عزت این سرزمین بایستد.

امروز، پس از ۴۷ سال، هنگام بازگشت او است، اما نه با گام‌های استوار و لبخندی آشنا، بلکه با پیکری که به دست اشقی‌الاشقیای زمانه ربا/ ربا شده است.

او جانِ ایران بود و اکنون به قلب ایران بازمی‌گردد؛ به خاکی که آن را بهترین نقطه ایران‌زمین می‌دانست. آسمان مشهد رنگ ماتم گرفته است و مردمی که با پرچم‌های سرخ خونخواهی به استقبال آمده‌اند، تنها یک پیام دارند؛ اینکه خون به‌ناحق ریخته رهبر شهیدشان، بذر درخت انتقام الهی خواهد شد.

اینجا مشهد است؛ شهر شهیدان و میزبان کاروانی که مرگ تاجرانه را خانوادگی برگزید و بال گشود تا به سوی ملکوت اعلا پرواز کند.

ساعت‌های انتظار بالاخره به پایان رسید و همزمان با اذان ظهر به افق مشهد هواپیمای حامل کاروان شهیدان کربلایی با استقبال باشکوه خانواده شهدا به سرزمین خورشید وارد شد و پیکر مطهر امام شهید و مجاهدمان در میان اشک و شعارهای مرگ بر آمریکا و یاحسین(ع) خانواده شهدا، از هواپیما به ماشین یخچالی منتقل شد. در این لحظات نفسگیر درد دل‌ها و اشک و دلتنگی خانواده شهدا و پاسداران حاضر در فرودگاه پای‌مان است و فقط روضه‌خوانی و سینه‌زنی برای حضرت ابا‌عبدالله‌الحسین(ع) شاید این دل‌ها را آرام کند، اما نه، شعله‌ای که چهار ماه است جگر این مردم را آتش زده خاموشی ندارد. خانواده شهدا وقتی پیکر زهرای چهارده ماهه؛ نوه آقای شهیدمان را روی دست خادمان شهدا می‌بینند دیگر صدای گریه و ناله جمعیت بالا می‌رود. مرد و زن، خودرویی که حامل پیکرهای شهداست را دربر می‌گیرند و به نشان تبرک چفیه‌های خود را به آن می‌زنند، اما برخی خیال دل‌کندن ندارند و گریه امانشان را بریده است.

پس از سینه‌زنی و سردادن شعار مرگ بر آمریکا و انتقام انتقام، ماشین حمل پیکرها به سمت در خروجی می‌رود تا برای مراسم تشییع آماده شود. در این حین خانواده شهدا با نوای حسین حسین با آقای شهید و خانواده شهیدش وداعی جانسوز می‌کنند.

ماشین حمل پیکرهای شهدا می‌رود اما زنان و مردانی که حس می‌کنند تکه‌ای از وجودشان که نه، همه وجودشان را از دست داده‌اند، سیل اشک و دلتنگی‌هایشان تمامی ندارد.

هنوز ساعت ۱۴ و قرار عاشقی مشهدی‌ها با آقای شهیدشان سر نرسیده که به میدان ۱۵ خرداد می‌رسم. سیل زیاد و به‌هم فشرده جمعیت حرکت را کند کرده است و به سختی خودم را به خیابان امام رضا(ع) می‌رسانم و عاشقان و دلدادگان آقای شهید ایران که معلوم نیست از چه ساعتی آنجا حضور دارند، منتظر شروع تشییع پیکرها هستند. برخی خسته شده‌اند و بی‌هیچ تکلفی روی زمین نشسته‌اند، برخی با شنیدن روضه‌ها از بلندگوها دستی بر سر و سینه می‌زنند و آن مداحی را زمزمه می‌کنند، برخی نیز با سکوتی پر حزن ایستاده‌اند و منتظر رسیدن پیکر امام و مولای شهید خود هستند.

پرچم‌های سرخ انتظار بیش از دیگر پرچم‌ها در خیابان به چشم می‌خورد و مردم با شعارهای «مرگ برآمریکا»، «مرگ بر اسرائیل» و «ای پسر فاطمه/ منتقم تو هستیم» و با پلاکاردهایی با مضمون کشتن ترامپ و جملات متنوعی خواستار انتقام از آمران و عاملان شهادت آقای شهید ایران هستند.

تشکل‌های مردمی مشهد با تجربه تشییع آقای شهید در تهران و قم سعی کرده بودند برای رساندن پیام انتقام با پارچه‌نوشته‌های بزرگ برای گرفتن عکس‌های هوایی سنگ تمام بگذارند. مسجد و حسینیه حضرت ابوالفضل(ع) میزبان فدائیان اسلام اما بزرگ‌ترین پارچه‌نوشته را امروز روی دست مردم به جهانیان نشان دادند. این تشکل مردمی دو پارچه‌نوشته بزرگ با ابعاد ۳۰ در ۱۵ متر آماده کرده که روی آن به فارسی و انگلیسی نوشته بودند: «ما ترامپ را خواهیم کشت». پارچه‌نوشته‌های بزرگ دیگری در ابعاد ۳۰ در ۱/۵ متر و کوچک‌تر نیز روی دستان مردم دیده می‌شود که سایر تشکل‌های مردمی شهر برای این روز تاریخی آماده کرده‌اند تا صدای انتقام از قاتلان جانِ ایران را به دنیا برسانند.

ساعت ۱۵ خبر آمد که حرکت ماشین حمل پیکرهای شهیدان خانواده خامنه‌ای بزرگ که در رأس آن‌ها آقای شهید ایران است از پایانه مسافربری امام رضا(ع) آغاز شده است.

مردم عزادار ایران اسلامی که از گوشه‌گوشه ایران خودشان را به مشهد رسانده‌اند و در حوالی میدان ۱۵ خرداد بودند با شنیدن این خبر خودشان را به میدان نزدیک کردند تا زودتر چشمشان به پیکر پدر مهربان شهیدشان برسد. هر لحظه بر فشردگی جمعیت در میدان ۱۵ خرداد افزوده می‌شود و با رسیدن ماشین حمل پیکرها غوغایی به پا شد. زنان با فریاد، آقا جانشان را صدا می‌زدند، از آن فریادهایی که از نای جان بلند و بعد به اشکی روی گونه تبدیل می‌شود.

انگار تازه فهمیده‌اند که پی‌در شده‌اند، شاید هم عزیزتر از پدر را از دست داده‌اند. البته فهمیدن با باور کردن تفاوت دارد و اکنون نوبت پذیرش این غم عظماست.

فشار جمعیت پس از آنکه ماشین حمل پیکرها از مقابلمان رد شد، به قدری زیاد شد که برای جلوگیری از اتفاقات ناگوار و مدیریت جمعیت نیروی انتظامی مستقر در خیابان، کوچه‌ای باز کرد و مردم را به کوچه‌های فرعی خیابان امام رضا(ع) هدایت کرد.

در کوچه‌ها که قدم گذاشتم با مردمی مواجه شدم که انگار تازه به این باور رسیده بودند امامشان صبح نیم اسفند با زن روزه و در حال قرائت قرآن به دست آمریکای خونخوار و جنایتکار به شهادت رسیده است. هیچ زبانی گویاتر از اشک برای مردم عاشقی که امروز در مشهد گرد هم آمدند تا امامشان را تا خانه ابدی‌اش بدرقه کنند، نیست.

برخی از خستگی در کوچه‌ها تکه‌ای کارتن یا تکه پارچه‌ای پهن کرده و استراحت می‌کردند. این جمعیت و این دلدادگی و خستگی و تشنگی نشناختن زائران آقای شهید در مشهد رنگ و بوی اربعین سیدالشهدا(ع) گرفته است.

از کوچه پسکوچه‌ها به خیابان فدائیان اسلام می‌رسم، امروز هیچ موکبی در خیابان امام رضا(ع) برپا نشده بود و همه موکب‌ها در کوچه‌ها و خیابان‌های فرعی مسیر برای پذیرایی از زائران امام شهید ایران برپا شده بود.

مردم عاشقانه گرد خودرو حامل پیکر مطهر رهبر شهیدشان حلقه زده‌اند و عبور خودرو به کندی صورت می‌گیرد. حوالی ساعت ۱۸ و ۳۰ دقیقه، خودرو از چهارراه دانش از مسیر خارج می‌شود تا با بالگرد پیکرهای مطهر به سمت حرم مطهر رضوی رهسپار شود. اینک نوبت وصال و بازگشت خادم خورشید به آغوش حرم مطهر رضوی است. پس از اقامه نماز بر پیکر مطهر امام شهید و خانواده‌وی توسط فرزند ارشدشان آیت‌الله سید مصطفی حسینی خامنه‌ای در صحن بزرگ پیامبر اعظم(ص)، روال‌ها و صحن‌های پیرامونی و خیابان‌های اطراف حرم، نوبت به تدفین در رواق دارالذکر حرم مطهر رضوی می‌رسد و رهبر شهیدمان حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای و چهار نفر از خانواده ایشان در جوار امام رأفت و مهربانی آرام می‌گیرند.

گزارش تصویری

وحید بیات، ناهید آذرنوش و خبرگزاری مهر

گزارش

روایتی از همدلی زائران و میزبانی خانه‌های مشهد در استقبال از رهبر شهید انقلاب

خانه‌هایی که قرارگاه بدرقه‌کنندگان شد

طاهره فجرداودلی | تاریخ نشان داده بحران‌ها و سوگ‌های ملی همواره عیار همبستگی یک ملت را می‌سنجند و این بار اندوه مشترک شهادت قائد امت نه‌تنها فاصله‌ها را از میان برداشت و جغرافیا را به نقطه بی‌معنایی رساند بلکه مشهد را به خانه‌ای بزرگ تبدیل کرد که در آن، غریبه دیگر معنا ندارد و مردم با پذیرایی و اسکان رایگان از جان و دل میزبان میهمانان امام مهربانی‌ها و مراسم استقبال و تشییع پیکر رهبر شهید انقلاب شدند.

یک روز مانده به تشییع آقای شهید ایران به کوچه پسکوچه‌های شهر می‌زنم و می‌رسم به خانه‌ای در محله سیدی مشهد که در این روزها درش برای میزبانی از هر کسی که به قصد بدرقه آقای شهید ایران آمده باز است.

صاحبخانه حدود ۲۰ نفری میهمان دارد و داخل کوچه، تلفنی مشغول هماهنگی برای تدارک ناهار ظهر است. جوان صاحبخانه لابه‌لای همین پیگیری‌هایش می‌گوید: بیشتر میهمان‌های ماشب می‌رسند و بعضی‌هایشان فردا (پنجشنبه) صبح زود، از شهرهای تهران، گرگان، بندرگز، خرم‌آباد و چند شهر دیگر میهمان داریم، هر کسی بیاید در خانه‌مان به رویش باز است. میهمان‌های ما بیشتر کسانی هستند که در سال‌های قبل، مناسبت‌هایی مثل دهه آخر صفر به اینجا آمده‌اند و حالا هم از دور و نزدیک قرار است برای مراسم تشییع پیکر رهبر شهید انقلاب به مشهد بیایند و تا لحظه‌ای که انتقام خون رهبر شهیدمان را نگیریم در صحنه هستیم.

روایت میزبانی مردم مشهد و حضور پرشور زائران از شهرهای مختلف نشان‌دهنده سطح بالای همبستگی ملی و پیوند عمیق میان امت و قائد شهید امت است و این حضور گسترده و بی‌وقفه اثبات می‌کند راه و مشی رهبر شهیدنه تنها در میان نسل‌های قدیمی بلکه در میان جوانان نیز به عنوان یک مطالبه و مسیر روشنگری تثبیت شده و ادامه دارد.

پس از شهادت سردار سلیمانی، سیر اتفاقات سبب شد نسبت به نظام و جامعه بی‌دغدغه نباشم و مشارکتم در مناسبت‌های ملی بیشتر شد و تلاش کردم مثل رهبری شهید انقلاب در برابر خط‌های فکری مختلف صبوری را خط مشی خودم قرار دهم، در جهت رشد جامعه و رشد خودم تلاش بیشتری داشته باشم و روشنگری کنم و این مسیر را تا جایی که توان دارم ادامه می‌دهم.

■رهبری که دل و زبانش یکی بود

یکی از میهمانان خانه که آشنایی اش با صاحبخانه را به زمان گروننسبت می‌دهد، تعریف می‌کند: آن زمان با صاحب این خانه اتفاقی آشنا شدم و چندین بار اینجا با خانواده میهمان شدیم و بعدتر اگر هم خدا توفیق داده همسایه امام رضا(ع) شویم و قصد داریم از میهمانان حضرت میزبانی کنیم. با اینکه شنبه در مراسم وداع و تشییع در تهران حاضر بودیم اما خواستیم به مشهد بیاییم و آخرین لحظه همراه رهبر شهیدمان باشیم.

او به حرف‌های صادقانه رهبر شهید انقلاب اشاره می‌کند و می‌گوید: حرف رهبری با دلش یکی بود، برای همین بسیاری از مردم همراه رهبر شهید انقلاب بودند و تلاش می‌کنند تا آخرین لحظه همراه‌ایشان باشند و پیرو خطش بمانند.

■دلمان به نیامدن رضایت نداد

خانم دیگری که از استان گلستان و شهرستان بندرگز در این خانه میهمان است، عنوان می‌کند در مراسم تشییع تهران حاضر بودیم و پس از مراسم به خانه‌مان برگشتیم. متأسفانه در تهران نتوانستیم ماشین حمل پیکر حضرت آقا را ببینیم و آقای شهید دلمان رد بدرقه کنیم و هرچه تلاش کردیم به خودمان بقبولانیم مراسم تشییع را رفته‌ایم و آقا را بدرقه کرده‌ایم، قانع نشدیم؛ برای همین به مشهد آمدیم تا در دلمان این حسرت نماند و مطمئن هستیم خود حضرت آقا اجر و مزد همه زائران را که برای تشییعشان آمده‌اند، می‌دهند. حضرت آقا هر چند معصوم نبودند اما انسان کاملی بودند و سادگی و دشمن‌شناسی ایشان بسیار در ذهنم ماندگار است.

■شجاعت و استکبارستیزی شاخصه رهبر شهید بود

زائر دیگری از بندر گز نیز در ادامه حرف‌های همشهری اش می‌گوید: شنبه برای مراسم وداع به مصلای تهران رفتم و یکشنبه و دوشنبه هم برای وداع و تشییع پیکر حضور داشتم و به بندر گز برگشتم. خیلی خسته بودم اما وقتی تلویزیون را روشن کردم و تصاویر رهبر شهید انقلاب را دیدم دیگر طاقت نیاوردم و گفتم باید مشهد بروم و تا آخرین لحظه همراه پیکر رهبر شهید انقلاب باشم. از نظر من شجاعت و استکبارستیزی رهبر شهید واقعاً شاخص بود و ایشان مجتهد و عالمی بودند که فقط به نماز و عبادت بسنده نکردند و یک رهبر سیاسی شدند که در تمام عمرشان مقابل استکبار جهانی ایستادند و به جای اینکه ما فدایی ایشان باشیم، ایشان فدای ملت شدند. در این مسیر و پیروی از خط ایشان به اندازه خودم تلاش می‌کنم به آگاهی و تبیین مسیر انقلاب به‌ویژه در میان قشر جوان کمک کنم تا راه و مشی ایشان را ادامه بدهم و تا انتقام خون رهبرمان را نگرفته‌ایم از پا ننشینیم.

■احساس پدر و فرزندی که نمی‌شود از آن گذشت

خانم دیگری که از یکی از شهرهای شمالی آمده در پاسخ به این پرسش که چرا به مشهد آمده است، اظهار می‌کند: این سؤال جواب ندارد چون احساسی است که نسبت به رهبر شهید انقلابمان در دلمان احساس می‌کنیم، چند ماه است که منتظر تشییع رهبرمان هستیم و بعد از این همه مدت نمی‌شود نیامد. رهبر شهیدمان می‌گفتند شما من را می‌بینید و دوستم دارید اما من ندیده شما را دوست دارم و همین یک جمله چنان احساس پدر و فرزندی دارد که نمی‌توان از آن راحت گذشت. مشهد یک قطعه از بهشت است و امام رضا(ع) را در اینجا داریم، همیشه برای زیارت آمدیم و می‌آییم و حالا هم برای مراسم تشییع رهبر شهیدمان آمده‌ایم. مردم‌دوستی، خالص بودن و شجاعت در گفتار و عمل در ایشان موج می‌زد. این اوج خباثت آمریکا بود که مرجع تقلید شیعیان را شهید کرد و تا زمانی که انتقام خون رهبر شهیدمان را نگیریم در صحنه هستیم.

پس از هملت سردار سلیمانی، سیر اتفاقات سبب شد نسبت به نظام و جامعه بی‌دغدغه نباشم و مشارکتم در مناسبت‌های ملی بیشتر شد و تلاش کردم مثل رهبری شهید انقلاب در برابر خط‌های فکری مختلف صبوری را خط مشی خودم قرار دهم، در جهت رشد جامعه و رشد خودم تلاش بیشتری داشته باشم و روشنگری کنم و این مسیر را تا جایی که توان دارم ادامه می‌دهم.

■رهبری که دل و زبانش یکی بود

یکی از میهمانان خانه که آشنایی اش با صاحبخانه را به زمان گرونا نسبت می‌دهد، تعریف می‌کند: آن زمان با صاحب این خانه اتفاقی آشنا شدم و چندین بار اینجا با خانواده میهمان شدیم و بعدتر اگر هم خدا توفیق داده همسایه امام رضا(ع) شویم و قصد داریم از میهمانان حضرت میزبانی کنیم. با اینکه شنبه در مراسم وداع و تشییع در تهران حاضر بودیم اما خواستیم به مشهد بیاییم و آخرین لحظه همراه رهبر شهیدمان باشیم.

او به حرف‌های صادقانه رهبر شهید انقلاب اشاره می‌کند و می‌گوید: حرف رهبری با دلش یکی بود، برای همین بسیاری از مردم همراه رهبر شهید انقلاب بودند و تلاش می‌کنند تا آخرین لحظه همراه‌ایشان باشند و پیرو خطش بمانند.

■دلمان به نیامدن رضایت نداد

خانم دیگری که از استان گلستان و شهرستان بندرگز در این خانه میهمان است، عنوان می‌کند در مراسم تشییع تهران حاضر بودیم و پس از مراسم به خانه‌مان برگشتیم. متأسفانه در تهران نتوانستیم ماشین حمل پیکر حضرت آقا را ببینیم و آقای شهید دلمان رد بدرقه کنیم و هرچه تلاش کردیم به خودمان بقبولانیم مراسم تشییع را رفته‌ایم و آقا را بدرقه کرده‌ایم، قانع نشدیم؛ برای همین به مشهد آمدیم تا در دلمان این حسرت نماند و مطمئن هستیم خود حضرت آقا اجر و مزد همه زائران را که برای تشییعشان آمده‌اند، می‌دهند. حضرت آقا هر چند معصوم نبودند اما انسان کاملی بودند و سادگی و دشمن‌شناسی ایشان بسیار در ذهنم ماندگار است.

■شجاعت و استکبارستیزی شاخصه رهبر شهید بود

زائر دیگری از بندر گز نیز در ادامه حرف‌های همشهری اش می‌گوید: شنبه برای مراسم وداع به مصلای تهران رفتم و یکشنبه و دوشنبه هم برای وداع و تشییع پیکر حضور داشتم و به بندر گز برگشتم. خیلی خسته بودم اما وقتی تلویزیون را روشن کردم و تصاویر رهبر شهید انقلاب را دیدم دیگر طاقت نیاوردم و گفتم باید مشهد بروم و تا آخرین لحظه همراه پیکر رهبر شهید انقلاب باشم. از نظر من شجاعت و استکبارستیزی رهبر شهید واقعاً شاخص بود و ایشان مجتهد و عالمی بودند که فقط به نماز و عبادت بسنده نکردند و یک رهبر سیاسی شدند که در تمام عمرشان مقابل استکبار جهانی ایستادند و به جای اینکه ما فدایی ایشان باشیم، ایشان فدای ملت شدند. در این مسیر و پیروی از خط ایشان به اندازه خودم تلاش می‌کنم به آگاهی و تبیین مسیر انقلاب به‌ویژه در میان قشر جوان کمک کنم تا راه و مشی ایشان را ادامه بدهم و تا انتقام خون رهبرمان را نگرفته‌ایم از پا ننشینیم.

■احساس پدر و فرزندی که نمی‌شود از آن گذشت

خانم دیگری که از یکی از شهرهای شمالی آمده در پاسخ به این پرسش که چرا به مشهد آمده است، اظهار می‌کند: این سؤال جواب ندارد چون احساسی است که نسبت به رهبر شهید انقلابمان در دلمان احساس می‌کنیم، چند ماه است که منتظر تشییع رهبرمان هستیم و بعد از این همه مدت نمی‌شود نیامد. رهبر شهیدمان می‌گفتند شما من را می‌بینید و دوستم دارید اما من ندیده شما را دوست دارم و همین یک جمله چنان احساس پدر و فرزندی دارد که نمی‌توان از آن راحت گذشت. مشهد یک قطعه از بهشت است و امام رضا(ع) را در اینجا داریم، همیشه برای زیارت آمدیم و می‌آییم و حالا هم برای مراسم تشییع رهبر شهیدمان آمده‌ایم. مردم‌دوستی، خالص بودن و شجاعت در گفتار و عمل در ایشان موج می‌زد. این اوج خباثت آمریکا بود که مرجع تقلید شیعیان را شهید کرد و تا زمانی که انتقام خون رهبر شهیدمان را نگیریم در صحنه هستیم.

روایت میزبانی مردم مشهد و حضور پرشور زائران از شهرهای مختلف نشان‌دهنده سطح بالای همبستگی ملی و پیوند عمیق میان امت و قائد شهید امت است و این حضور گسترده و بی‌وقفه اثبات می‌کند راه و مشی رهبر شهیدنه تنها در میان نسل‌های قدیمی بلکه در میان جوانان نیز به عنوان یک مطالبه و مسیر روشنگری تثبیت شده و ادامه دارد.